

۳
جهانترامپ زنده است
جنگال شایعه مرگ ترامپ۴
کافهاز لار تا لس آنجلس
به یاد احمد پژمان۷
کوچهحمله دوباره به علوم انسانی
انتقاد خسرو پناه از رشته‌های علوم انسانی

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور از لزوم توازن قدرت موشک و مردم سخن گفت

موشک بدون مردم قدرتی ندارد



گروه سیاسی: «اگر موشک داشته باشیم اما مردم را از دست بدهیم، اقتداری نخواهیم داشت». این شالوده پیام رئیس‌جمهور به افکار عمومی در گفت‌وگوی او با سه تن از فعالان سیاسی و رسانه‌ای بود که اخیراً از رسانه ملی پخش شد. نقطه کانونی سخنان پزشکیان، تأکید بر ضرورت جلب اعتماد عمومی و انسجام داخلی بود اما فقدان پاسخ درباره چگونگی ترمیم اعتماد عمومی، چالش مهم این گفت‌وگو بود. سخنان پزشکیان حول سه محور مهم بازدارندگی در سیاست خارجی، انسجام داخلی و عدالت اجتماعی، گرچه صریح اما در برخی موارد فاقد جزئیات اجرایی و راهبرد عملی بود. در حالی که جامعه امروز بیش از شعار به شفافیت، برنامه‌ریزی و اقدام عینی نیاز دارد. اگر دولت نتواند فاصله میان گفتار و عمل را کم کند، خطر از دست رفتن اعتماد عمومی، همان تهدیدی خواهد شد که خود پزشکیان نسبت به آن هشدار داد.

| ادامه در صفحه ۲



عکس: سایت ریاست جمهوری

ترور کابینه یمن

نخست‌وزیر و برخی از وزرای یمن
در عملیات تروریستی اسرائیل کشته شدند۳
افق

یادداشت روز

بازگشت به انتخابات

یک مرحله‌ای

در باب یکی از مصادیق
تکمیل و اصلاح مبانی نظام

سیدمحمود علیزاده طباطبایی

عضو شورای مرکزی و معاون حقوقی دبیرکل
حزب کارگزاران سازندگی ایران

۳۶ سال از بازنگری قانون اساسی می‌گذرد و همان‌گونه که ۱۰ سال پس از تصویب نخستین قانون اساسی (۱۳۵۸) ضرورت بازنگری احساس شد، امروز نیز این نیاز مجدداً مطرح است. در قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ هیچ روشی برای بازنگری پیش‌بینی نشده بود اما رهبر فقید انقلاب گروهی از مدیران نظام را برای اصلاح برخی اصول انتخاب کردند و این مأموریت به آنان واگذار شد.

در قانون اساسی بازنگری شده سال ۱۳۶۸ اصل ۱۷۷ به صراحت بازنگری در موارد ضروری را پیش‌بینی کرده و تشخیص این ضرورت را بر عهده مقام رهبری نهاده است.

اخیراً مقام رهبری صریحاً اعلام کرده‌اند که مبانی جمهوری اسلامی قابل اصلاح و تکمیل است. اصل دوم قانون اساسی این مبانی را در ۶ بند برمی‌شمارد که ۵ بند نخست، مبانی دینی و غیرقابل تغییر بوده و در واقع بیانگر اصول دین و مذهب شیعه‌اند. اما بند ششم به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی همراه با مسئولیت او در برابر خدا می‌پردازد و این بند نشان می‌دهد که نظام، علاوه بر مبانی دینی، بر حاکمیت مردم نیز استوار است. در همین راستا اصل ۵۶ قانون اساسی، حاکمیت مطلق را از آن خدا می‌داند و تصریح می‌کند: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است».

هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از مردم سلب کرده یا آن را در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد. همچنین اصل ششم قانون اساسی تأکید می‌کند که امور کشور باید با اتکا به آرای عمومی اداره شود و تمامی مقامات اجرایی و تقنینی از طریق انتخابات مستقیم مردم انتخاب می‌شوند. حتی مقام رهبری نیز با رأی غیرمستقیم مردم از طریق انتخاب اعضای مجلس خبرگان که خود منتخب مردم هستند، تعیین می‌شود.

جمهوریت نظام که یکی از ارکان اساسی جمهوری اسلامی است بر ۳ اصل بنیادین حقوق بشری استوار است: کرامت انسانی، برابری و منع تبعیض و آزادی.

براساس بند ششم اصل دوم قانون اساسی، کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند از مبانی نظام محسوب می‌شوند. در زمینه برابری و رفع تبعیض، اصل سوم قانون اساسی رفع تبعیض نژاد و ایجاد امکانات عادلانه برای همه شهروندان را از وظایف دولت می‌داند. دولت همچنین موظف است، حقوق زنان و مردان را به‌طور یکسان تأمین کرده، امنیت فردی و اجتماعی را برقرار کند و همه را در برابر قانون برابر بداند.

این رویکرد در سایر اصول نیز به روشنی دیده می‌شود:

اصل ۳ (بند ۷): تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

اصل ۹: ممنوعیت سلب آزادی‌های مشروع مردم توسط هر مقام حتی از طریق وضع قوانین.

اصل ۱۹: برابری همه افراد ملت در برابر قانون.

اصل ۲۰: حمایت یکسان قانون از تمامی شهروندان.

اصل ۲۲: مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل افراد.

همچنین اصول ۲۳ تا ۲۷ قانون اساسی به‌روشنی بر آزادی‌های اساسی؛ ممنوعیت تفتیش عقاید، آزادی مطبوعات، ممنوعیت استراق سمع و تجسس و آزادی اجتماعات و فعالیت احزاب تأکید می‌کنند.

| ادامه در صفحه ۲

گزارش

لایحه‌محوری دولت چهاردهم



معاون راهبردی و امور مجلس رئیس‌جمهور گفت: تعاملات دولت و مجلس در یک سال گذشته در شاخص‌های مختلف مطلوب بود و شعار مبنایی «وفاق» در میان قوای سه‌گانه به‌خصوص دو قوه مقننه و مجریه معنای واقعی یافت. محسن اسماعیلی روز گذشته در جمع معاونان و مدیران این معاونت با اشاره به حمایت اخیر رهبر انقلاب از دولت و شخص رئیس‌جمهور آن را راهنمای عمل و ارزیابی مواضع و فصل‌الخطاب همه جریان‌ها و فعالان سیاسی برشمرد و گفت: موضع روشن رهبری بار دیگر نشان داد که مسیر برون‌رفت از دشواری‌های پیش‌رو جز با همدلی، وفاق، انسجام ملی و همراهی دولت و مجلس و سایر ارکان نظام امکان‌پذیر نیست.

وی با بیان اینکه تعاملات دولت و مجلس نتایج و ثمرات ارزشمندی برای کشور داشت، افزود: از ابتدای شروع به کار دولت چهاردهم، تعداد ۵۴ فقره قانون توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شد که از این تعداد ۱۸ فقره مربوط به طرح‌های نمایندگان مجلس و ۳۵ فقره مربوط به لوایح پیشنهادی دولت بوده است. این در حالی است که در مدت مشابه دولت‌های قبل، مجموع قوانین مصوب ۵۰ درصد کمتر بوده است. این موضوع نشان از تحرک تقنینی و نزدیک شدن به «لایحه‌محوری» نسبت به طرح‌هاست؛ موضوعی که هم سیاست اعلامی دولت و هم از مطالبات مکرر مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر بوده است.

معاون راهبردی و امور مجلس رئیس‌جمهور افزود: اهمیت این روند در آن است که لوایح پشتوانه کارشناسی دقیق‌تر، بررسی‌های میدانی گسترده‌تر و هم‌سویی بیشتری با برنامه‌های توسعه کشور دارند. از این رو تقویت سهم لوایح در فرآیند قانون‌گذاری واقع‌گرای و نیازسنجی حقیقی در تصمیم‌سازی‌های کلان در حل مسائل ملی است.

اسماعیلی خاطر نشان کرد: تجربه سال نخست دولت چهاردهم نشان می‌دهد که مسیر تعامل میان قوه مجریه و مقننه در حال حرکت به سمت یک الگوی هماهنگ‌تر و مبتنی بر واقعیت‌های اجرایی کشور است. همچنین غلبه لوایح بر طرح‌ها می‌تواند موجب ارتقای کیفیت قوانین، کاهش تعارض‌های احتمالی و افزایش سرعت در اجرا شود؛ موضوعی که نهایتاً به نفع مردم و کارآمدی نظام اداری کشور خواهد بود. بررسی لوایح پیشنهادی دولت چهاردهم که در سال نخست به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و به قانون تبدیل شده‌اند، نشان می‌دهد رویکرد دولت در عرصه قانون‌گذاری بر فعال‌سازی ظرفیت‌های اقتصادی و تقویت «دیپلماسی حقوقی و اقتصادی» متمرکز بوده است.

وی، حضور پزشک‌ان در مجلس را در قیاس با دولت‌های قبل بی‌نظیر خواند و گفت: در سال نخست رئیس‌جمهور ۱۲ بار در مجلس شورای اسلامی حضور یافت، آماری که در مقایسه با رؤسای‌جمهور پیشین بی‌سابقه است چراکه حضور رؤسای‌جمهور وقت در سال نخست دولت هیچ‌گاه بیشتر از ۷ بار نبوده است. این حضور بی‌واسطه معنای روشنی دارد: ارج‌گذاری به جایگاه مجلس و تعبیر واقعی وفاق برای خدمت. این حضور مکرر، فضای گفت‌وگوی رودررو میان مجریان و قانون‌گذاران را تقویت کرده است.

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا قَانٍ

برادر ارجمند

جناب آقای داریوش باریکانی

مراتب تسلیت ما را در فقدان

پدر همسر گرامی تان پذیرا باشید.

روحشان قرین رحمت واسعه الهی

و خلد برین سرایشان باد.

روابط عمومی حزب کارگزاران سازندگی ایران

ادامه تیتریک

موشک بدون مردم، قدرتی ندارد



وارد شوند. در چنین شرایطی، تنها کاری که می‌شود کرد، تکیه بر همان سیاست‌های کلی‌ای است که پیش‌تر تدوین شده. این سیاست‌ها حاصل کارشناسی نهادهای مختلف در کشور هستند؛ مجموعه دانشگاهیان، مجموعه دولت و در نهایت هم مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه کنار هم آمده‌اند، جمع‌بندی کرده‌اند و اینها شده سیاست‌های کلان نظام. یعنی این اسناد، پشتوانه کارشناسی محکمی دارند. بنابراین هر کاری که ما انجام دهیم، بهتر از آنچه در سیاست‌های کلی آمده، نخواهد بود.»

وفاق با گفت‌وگو ممکن می‌شود

پزشکیان درباره نحوه مدیریت چالش‌هایی که در تعامل با قوای دیگر یا نهادهای مختلف به آن برمی‌خورد نیز گفت: «بستگی به نوع اختیار دارد. اگر مساله در حوزه اختیارات اجرایی و اداری دولت باشد، ما کار خودمان را انجام می‌دهیم. اما وقتی موضوع به قانون‌گذاری یا قوه قضائیه مربوط می‌شود حتی اگر چالش هم وجود داشته باشد، در نهایت اختیار در دست آن نهاد است. من نظر خود را می‌دهم اما نمی‌توانم دخالت کنم و مثلاً بگویم فلان زندانی باید آزاد شود. شاید دلم بخواهد فردی آزاد شود اما اینکه بخواهم به آنها بگویم باید چنین کنید، ممکن نیست. با آن نهادها هم وارد چالش نمی‌شوم چون اختیار در آن حوزه‌ها با من نیست.» رئیس‌جمهور ضمن تأیید این نکته که شکل گرفتن چنین گفت‌وگو‌هایی یکی از ظرفیت‌های ایجاد وفاق است به نکته مهمی اشاره کرده و گفت در صورتی این ظرفیت عملیاتی می‌شود که طرف مقابل هم گفت‌وگو را بپذیرد. وی تحقق این امر را زمامبر دانست و افزود: «ما تا الان بیشتر یاد گرفته بودیم که با هم دعوا کنیم حالا اینکه یاد بگیریم با هم گفت‌وگو کنیم، خودش زمان می‌برد.» رئیس‌جمهور همچنین در ادامه این گفت‌وگو بارها بر مفاهیمی چون عدالت، صداقت و انصاف تأکید کرد و آنها را زیربنای اقتدار ملی دانست و تصریح کرد که بدون اجرای این اصول ابزارهای نظامی و دیپلماتیک هم کارایی خود را از دست می‌دهند. با این حال در گفت‌وگو هیچ توضیح مشخصی درباره چگونگی تحقق عدالت اجتماعی ارائه نشد.

که اقتناع کنیم که نشان بدهیم این روند فعلی غلط است. اینکه کاربران با وی‌پی‌ان به اینترنت دسترسی پیدا می‌کنند واقعاً بدتر از فیلترینگی است که اعمال شده. تصور اینکه با فیلتر کردن مساله‌ای حل شده تصور نادرستی است. اما نگاه ما این نیست که با دستور یا تقابل پیش برویم. چون مجموعه‌ای از اختیارات در ساختارهای مختلف نظام توزیع شده و این‌طور نیست که ما همه ابزارهای اجرایی را در اختیار داشته باشیم. بنابراین با وجود همه فشارها و چالش‌ها، اولویت ما این است که با گفت‌وگو، منطق و اقناع مسیر را جلو ببریم.» وی به نقش رهبری در مدیریت این مساله اشاره کرد و افزود: «پیش از این، رهبری مرکزی را تشکیل داده‌اند که مسئولیت تصمیم‌گیری درباره سیاست‌های مرتبط با این حوزه را بر عهده دارد. در همان مرکز پس از بررسی‌های کارشناسی، زمان‌بندی مشخصی برای اجرای برخی اقدامات تعیین شد؛ از جمله باز شدن برخی پلتفرم‌ها. حتی پیش از وقوع جنگ اخیر بر اساس همان زمان‌بندی قرار بود، پلتفرم‌هایی بازگشایی شوند. نمایندگان آن پلتفرم‌ها نیز به ایران آمده بودند و قرار بود در کشور دفتر تأسیس کنند اما درگیری‌های اخیر این روند را به تأخیر انداخت. اکنون نیز تلاش‌ها بر آن است که همان برنامه مصوب اجرا شود و پلتفرم‌ها طبق زمان‌بندی باز شوند. نیت من و مسیر تلاش‌م این بوده که این اقدامات در چارچوب مصوبات موجود و بدون ایجاد تنش یا اختلاف انجام شود.»

فقدان تحزب، مهم‌ترین مانع برنامه‌نویسی

رئیس‌جمهور در پاسخ به اینکه چگونه می‌خواهد سیاست‌های کلی نظام را از سطح سند به سطح گفتمان و اجرا برساند به مشکل عمده‌ای در ساحت سیاسی کشور یعنی فقدان تحزب اشاره کرد و گفت: «از همان ابتدا عرض کردم که من نمی‌توانم بمساذگی برنامه بنویسم، آن هم بدون پشتوانه حزبی. در حالی که اگر حزبی وجود داشته باشد باید چارچوب مشخصی هم داشته باشد. اعتقاد من این است که حزبی با آن تعریف واقعی در کشور ما وجود ندارد. احزاب هستند اما هنوز به‌صورت ساختارمند رشد نکرده‌اند. شاید هم ما اجازه ندادیم، یا حاکمیت این فرصت را به آنها نداده که بتوانند رشد کنند، چارچوب خود را پیدا کنند و در میدان عمل

پیام رئیس‌جمهور روشن است، همان‌طور که سخنان اخیرش تلاشی بر بازتعریف مفهوم اقتدار ملی بود؛ اقتداری که نه فقط از موشک که از سرمایه اجتماعی، عدالت و اعتماد عمومی می‌آید. با این حال برای تبدیل این مفاهیم به واقعیت، دولت نیازمند پرهیز از ابهام، روی آوردن به سیاست‌های شفاف و اجرایی و تعریف یک نقشه راه عملیاتی است.

رئیس‌جمهور در ابتدای این گفت‌وگو در پاسخ به سؤالی درباره موضع دولت نسبت به فعال شدن اسنپ‌ک اظهار کرد: «اصلاً دنبال فعال شدن اسنپ‌ک نیستیم اما این جای پرسش دارد که برخی کشورهای اروپایی که خودشان ناقض بسیاری از قوانین بین‌المللی هستند، امروز ما را متهم می‌کنند که چارچوبی را رعایت نکرده‌ایم! چگونه می‌توان از چنین کشورهایی این‌گونه ادعاها را پذیرفت؟»

صداهای وحدت‌شکن خطرناک‌تر از اسنپ‌ک

پزشکیان در ادامه از دغدغه‌هایش درباره جریان‌هایی گفت که در داخل باعث تضعیف وحدت می‌شوند و گفت: «دغدغه اصلی من حتی پیش از بحث اسنپ‌ک، آن چیزی است که در داخل کشور در حال رخ دادن است. نگرانی اصلی من درباره نغمه‌ها و صداهایی است که بلند می‌شود و می‌خواهد همین وحدت و انسجام نوپایی که تازه در حال شکل‌گیری است را تضعیف کند.» وی افزود: «ترس من از اسنپ‌ک یا تهدیدهای خارجی نیست؛ واهمه اصلی‌ام از اختلافات داخلی از شکاف‌های درونی و درگیری‌هایی است که گاه بر سر مسائل جزئی ایجاد می‌شود. دشمنان نیز طمع‌شان دقیقاً بر همین اختلافات است.» رئیس‌جمهور از نادیده گرفته شدن حقوق شهروندی افراد به‌عنوان پیامد این اختلافات گفت و در ادامه در حالی که وزن تهدیدات داخلی را از فشارهای خارجی بالاتر و سرمایه اجتماعی را مهم‌تر از قدرت سخت معرفی دانست؛ تأکید کرد: «حتی اگر ما موشک هم داشته باشیم واما مردم را نداشته باشیم، هیچ قدرتی نداریم. نمی‌گویم که نباید آنها را داشته باشیم، ما باید قدرت داشته باشیم تا کسی جرات نکند به ما حمله کند. اما مهم‌تر از آن، وحدت و انسجام داخلی است.»

تغییر، روش دارد

پزشکیان همچنین در پاسخ به سؤالی درباره موضوع قانون عفاف و حجاب در واکنش به اظهارنظر یکی از سؤال‌کنندگان مبنی بر اینکه «فاصله بین عفت و حجاب بسیار زیاد است»، گفت: «اصلاً عفت چیز دیگری است و آن روند، چیز دیگری. یعنی اگر کسی در خارج از کشور زندگی می‌کند و چادر یا روسری ندارد، آیا معنایش این است که بی‌عفت است؟ چنین برداشتی حداقل در ذهن من نمی‌گنجد. کلیت ماجرا این است نباید کاری کنیم که کشور با دعوا و اختلاف جلو برود. بله، اگر قرار است رفتار مردم تغییر کند، این تغییر، روش دارد و باید با روش خودش انجام شود.»

با دستور یا تقابل پیش نمی‌رویم

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از این گفت‌وگو که به موضوع فیلترینگ اشاره داشت، موضوع فیلترشکن و فضای مجازی را چالشی جدی دانست و ادامه داد: «اما آنچه ما دنبال می‌کنیم، این نیست که با دعوا و تقابل حلش کنیم. تلاش‌مان این است

ادامه یادداشت روز

بازگشت به انتخابات

یک مرحله‌ای

فصل سوم قانون اساسی به‌طور کامل به حقوق ملت اختصاص یافته است. بنابراین در نقد مبانی نظام و ضرورت تکمیل و اصلاح مبانی نظام که مورد تأکید مقام رهبری نیز هست، حفظ و تقویت این حقوق باید در اولویت قرار گیرد. با این حال یکی از مهم‌ترین مسائلی که کرامت انسانی و آزادی همراه با مسئولیت انسان را در جمهوری اسلامی خدشه‌دار کرده و باید در بازنگری قانون اساسی مورد توجه قرار گیرد، بحث انتخابات است.

طبق اصل ۵۶ قانون اساسی، خداوند انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است و اصل ششم تصریح می‌کند که اداره امور کشور باید بر پایه آرای عمومی باشد.

بنابراین مشارکت گسترده مردم در انتخابات نه یک امتیاز بلکه یک حق اساسی است و هرگونه مانعی در مسیر این مشارکت مغایر با نص صریح قانون اساسی است.

مردم صلاحیت و حق دارند تنها کسانی را به‌عنوان نماینده خود در مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی، شوراهای شهر و روستا و ریاست‌جمهوری برگزینند که خود انتخاب می‌کنند و هرگونه ایجاد محدودیت در انتخاب‌های مردم، اصل حاکمیت آنان بر سرنوشت خویش را تضعیف می‌کند. محروم کردن برخی نامزدها از حضور در رقابت‌های انتخاباتی حتی با تصویب یا تفسیر قوانین، خلاف قسمت پایانی اصل نهم قانون اساسی است که به هیچ مقامی اجازه نمی‌دهد، آزادی‌های مشروع مردم را حتی با وضع قوانین و مقررات سلب کند.

گسترش صلاحیت‌های شورای نگهبان تا حدی که به محدود شدن حقوق سیاسی مردم بینجامد با اصول ۶، ۹، ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی مغایرت دارد. واگذاری کامل امور انتخاباتی به شورای نگهبان عملاً انتخابات را دو مرحله‌ای می‌کند. در

مرحله اول، شورا نامزدها را گزینش و در مرحله دوم، مردم صرفاً از میان آنان انتخاب می‌کنند. این روند برخلاف اصل ۶۲ قانون اساسی است که مجلس را «متشکل از نمایندگان ملت که مستقیماً و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند» معرفی می‌کند. نظارت استصوابی نقض‌کننده، حق مشارکت و حاکمیت مردم است.

از منظر اندیشه امام خمینی (ره) در جامعه اسلامی، مردم و حکومت دارای حقوق متقابل هستند و مردم اختیار دارند حاکمان خود را برگزینند. جدایی میان اسلامیت و جمهوریت نظام نه‌تنها با روح قانون اساسی در تعارض است بلکه به تضعیف هر دو بعد می‌انجامد.

در نتیجه؛ یکی از مصادیق اصلاح مبانی جمهوری اسلامی می‌تواند حذف نظارت استصوابی و بازگشت به انتخابات یک مرحله‌ای باشد. در زمان تدوین نهایی قانون اساسی هم که هیچ نظارتی بر شرکت‌کنندگان اعمال نمی‌شد مردم بهترین‌ها را برگزیدند. باید ببینیم که مردم خود بهتر از هر کس دیگری مصلحت و منفعت خویش و منافع ملی را تشخیص می‌دهند.

ترامپ زنده است

شایعه مرگ ترامپ روز گذشته جنجال برانگیز شد

در محافل رسانه‌ای آمریکا شایعه‌ای به صورت گسترده درباره مرگ ترامپ در حال دست به دست شدن بود که ناگهان انتشار تصویری از او در زمین گلف به شایعات پایان داد. به گزارش ایندیا تودی، بسا این حال اخیراً ویدیویی از سرریال کمدی آمریکایی «سیمپسون‌ها» در فضای مجازی پخش شده که ادعا می‌کند این سرریال مرگ دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا را در ۱۲ آوریل ۲۰۲۵ پیش‌بینی کرده است. این کلیپ پربازدید، شخصیتی شبیه به ترامپ را نشان می‌دهد که در تابوتی حمل می‌شود و چهره‌های سیاسی او را احاطه کرده‌اند. این موضوع شایعاتی را برانگیخته است مبنی بر اینکه این سرریال، مرگ رئیس‌جمهور را پیش‌بینی کرده است. با این حال، این ادعاها نادرست است زیرا این کلیپ از هیچ قسمت واقعی سیمپسون‌ها نیست.

ماجرای کجا آغاز شد؟

در روزهای اخیر، فضای مجازی به صحنه‌ای داغ برای گمانه‌زنی‌های گسترده درباره سلامت جسمی رئیس‌جمهور ایالات متحده تبدیل شده است. هشتگ‌هایی نظیر «ترامپ مرده است» و «#TrumpIsDead» در شبکه اجتماعی ایکس (X) ترند شده و موجی از شایعات و تحلیل‌های غیررسمی را به راه انداخته‌اند. ترامپ که به حضور دائمی در رسانه‌ها و تعامل روزانه با

خبرنگاران شهرت دارد، در چند روز گذشته در هیچ رویداد عمومی دیده نشده است. این غیبت غیرمنتظره، آن هم بدون اعلام برنامه‌ای رسمی باعث شد، کاربران شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه در ایکس به سرعت فرضیه‌هایی درباره وضعیت جسمانی او مطرح کنند. در حالی که رؤسای‌جمهور پیشین آمریکا نیز گاه‌به‌گاه از انتظار عمومی دور بوده‌اند، سابقه نشان داده که چنین غیبت‌هایی معمولاً با دلایل پزشکی یا تصمیمات راهبردی همراه بوده است. در مورد ترامپ، شایعاتی از جمله کودی دست‌ها، تورم پاها و ابتلا به نارسایی مزمن وریدی (CVI) مطرح شده که کاخ سفید در ماه جولای ۲۰۲۵ آن را تأیید کرده است.

اظهارات معاون رئیس‌جمهور؛ آتش بیار شایعات

جی‌دی وینس، معاون ترامپ در مصاحبه‌ای با روزنامه «USA Today» گفت که در صورت وقوع «حادثه‌ای وحشتناک» برای رئیس‌جمهور، آمادگی کامل برای رهبری کشور را دارد. هرچند این اظهارات در چارچوب وظایف قانونی معاون رئیس‌جمهور بیان شد اما در فضای پرشایعه این روزها به‌عنوان تأییدی ضمنی بر وخامت حال ترامپ تعبیر شد. او تأکید کرد که در ۲۰۰ روز گذشته، تجربه ارزشمند از نزدیک با ترامپ کسب کرده و این بهترین آموزش برای چنین شرایطی بوده است. وینس در ادامه تأکید کرد که ترامپ



رژیم پیشگیری از بیماری‌های قلبی بوده است. همچنین تأیید شد که ترامپ به نارسایی مزمن وریدی مبتلاست؛ بیماری‌ای که در افراد مسن شایع است اما خطرناک تلقی نمی‌شود.

وعده پخش زنده؛ پایان شایعات؟

در نهایت، کاخ سفید با رد شایعات مرگ ترامپ، اعلام کرد که به زودی برنامه‌ای زنده با حضور رئیس‌جمهور برگزار خواهد شد تا به نگرانی‌ها پایان دهد. با این حال تا زمان تحقق این وعده، فضای مجازی همچنان محل جولان شایعات و تحلیل‌های غیررسمی باقی خواهد ماند. در دنیای امروز که خبرها با سرعت نور منتشر می‌شوند، غیبت چند روزه یک چهره سیاسی می‌تواند به موجی از شایعات بدل شود. اما آنچه اهمیت دارد، تمایز میان واقعیت و گمانه‌زنی است و در این مورد هنوز هیچ نشانه‌ای رسمی از بحران جدی سلامت ترامپ وجود ندارد.

خاورمیانه

تأیید شهادت نخست‌وزیر یمن

جانشین انتخاب شد

ریاست جمهوری یمن دیروز شنبه با انتشار بیانیه‌ای از شهادت نخست‌وزیر این کشور احمد غالب الرهوی به همراه شماری از وزرای یمنی در روز پنج‌شنبه گذشته خبر داد. این نهاد یمنی در این زمینه گفت: اسرائیل، نخست‌وزیر و چند وزیر یمنی را در یک کارگاه که در حال انجام مأموریت بودند، هدف قرار داد. ریاست جمهوری یمن همچنین خبر داد که شماری از وزرای این کشور در نتیجه این حملات زخمی شده و تحت مراقبت‌های پزشکی قرار دارند. رژیم صهیونیستی هم پنج‌شنبه مدعی شد، فرماندهان ارشد یمن از جمله رئیس ستاد مشترک ارتش این کشور را ترور کرده است؛ ادعایی که دروغ بودن آن با انتشار پیام این فرمانده یمنی مشخص شد. رئیس ستاد مشترک ارتش یمن محمد الغماری روز جمعه با انتشار پیامی هشدار داد که حملات اسرائیل به مناطق غیرنظامی صنعا بدون پاسخ نخواهد ماند. ریاست جمهوری یمن نیز به ملت این کشور اطمینان داد، دولت این کشور همچنان به وظایف خود عمل خواهد کرد. ریاست جمهوری یمن می‌گوید نهاد‌های یمنی همچنان به ارائه خدمات خود به ملت این کشور ادامه خواهند داد. نیروی هوایی رژیم صهیونیستی پنج‌شنبه حداقل ۱۰ نقطه در صنعا از جمله منطقه «جبل عطان» در جنوب این شهر را آماج حملات شدید قرار داد. پس از این حمله، شبکه‌های کان، ۱۲ و رژیم صهیونیستی مدعی شدند هدف حملات، ترور فرماندهان ارتش و رئیس ستاد مشترک ارتش یمن بود. احمد غالب رهوی تقریباً یک سال پیش به نخست‌وزیری رسید اما رهبر اصلی دولت حوثی‌ها در عمل، معاون او، محمد مفتاح، بود که روز شنبه به‌عنوان نخست‌وزیر منصوب شد تا وظایف نخست‌وزیر را انجام دهد. در پی شهادت «احمد غالب الرهوی»، نخست‌وزیر یمن در حملات اخیر رژیم صهیونیستی، شورای عالی سیاسی یمن با انتشار حکمی، وظایف نخست‌وزیری را به «محمد مفتاح» معاون اول الرهوی محول کرد. یسرائیل کانس، وزیر دفاع رژیم صهیونیستی اعلام کرد که او همراه با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و ایال زمیر، رئیس ستاد مشترک اسرائیل دستور این حمله را صادر کرده‌اند و هشدار داد که حوثی‌ها باید بدانند، حمله به اسرائیل عواقب سختی دارد.



بسیاری پیش‌بینی می‌کردند، سعید جلیلی بار دیگر هدایت مذاکرات را بر عهده بگیرد. با این حال شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد، باقری رویکردی متفاوت از جلیلی را دنبال کرده است. یکی از مهم‌ترین شواهد این تفاوت رویکرد، افشای نامه ۲۰۰ صفحه‌ای سعید جلیلی به رهبری بود. در این نامه، جلیلی پیشنهاد خروج از برجام و افزایش غنی‌سازی تا ۹۰ درصد را مطرح کرده بود. با این استدلال که این اقدامات می‌تواند، اهرم فشار بیشتری برای کسب امتیازات فراهم کند. این همان رویکردی بود که او در دوران مذاکره‌کنندگی خود دنبال می‌کرد. اما تیم مذاکره‌کننده دولت رئیسی به رهبری باقری، تاکتیک «مذاکره برای رفع تحریم» را پیش گرفت؛ مسیری که تفاوت آشکاری با رویکرد جلیلی داشت. این مسیر در واقع ادامه همان راهی است که پیش از این توسط تیم مذاکره‌کننده دولت روحانی به ویژه سیدعباس عراقچی دنبال می‌شد. تلاش تیم باقری در روزهای ابتدایی مذاکرات وین بر مرور متن‌های قبلی و پذیرش از سرگیری مذاکرات از نقطه توقف آن در دوران عراقچی بود. این رویکرد نشان می‌دهد که باقری به دنبال نتیجه‌ای عملی است که بتواند به بهبود معیشت مردم از طریق لغو تحریم‌ها منجر شود.

باقری‌کی همچنین در اظهارنظری بی‌سابقه حدود دو سال پیش گفت: کسانی که با پوشش دفاع از ارزش‌ها تلاش می‌کنند تا مذاکره را ماهیئت‌آند ارزش جلوه دهند عملاً می‌خواهند، دست‌نظام برای تأمین منافع ملی را از این ابزار کلیدی و مهم نهی کنند.

باید دید باقری‌کی در سمت معاونت بین‌الملل شورای عالی امنیت ملی چه کارنامه‌ای را از خود به جای می‌گذارد و به همراه لاریجانی، کشور را از پیچ و خم بحران‌ها عبور می‌دهد.

سیزدهم و انتخاب علی باقری به‌عنوان مذاکره‌کننده ارشد، مسیر جدیدی در این پرونده گشوده شد که تفاوت‌های آشکاری با گذشته دارد. سابقه همکاری سعید جلیلی و علی باقری به سال‌ها پیش بازمی‌گردد. زمانی که جلیلی معاونت اروپا و آمریکای وزارت خارجه را بر عهده داشت، باقری مدیرکل اروپای مرکزی و شمالی بود. این همکاری در شورای عالی امنیت ملی نیز ادامه یافت و باقری به‌عنوان معاون جلیلی منصوب شد. در دوران مذاکرات هسته‌ای از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ علی باقری در تیم مذاکره‌کننده حضور داشت؛ سال‌هایی که ایران تحت شدیدترین فشارها قرار داشت و قطعه‌نامه‌های متعددی علیه آن صادر می‌شد. این دوران که پرونده هسته‌ای از فاز حقوقی به فاز امنیتی کشیده شده بود با تحریم‌های بی‌سابقه‌ای همراه بود که تأثیرات عمیقی بر اقتصاد کشور گذاشت. با پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ رویکرد ایران در قبال مذاکرات هسته‌ای تغییر کرد. علی باقری از تیم مذاکره‌کننده کنار رفت و به یکی از منتقدان جدی توافق هسته‌ای موسوم به برجام تبدیل شد. او در رسانه‌های مختلف و در سخنرانی‌هایی در مجلس به نقد عملکرد تیم مذاکره‌کننده دولت وقت پرداخت. از جمله این اقدامات می‌توان به نقد توافق ژنو در کمیسیون برجام و اظهاراتش در برنامه‌های تلویزیونی اشاره کرد. در این مقطع باقری رویکردی مشابه با سعید جلیلی داشت و به شدت منتقد هرگونه مذاکره با آمریکا بود. اما با آغاز به کار دولت سیزدهم، نقش علی باقری دوباره به مرکز توجه بازگشت. او ابتدا مسئول انتقال امور وزارت خارجه شد سپس به عنوان معاون سیاسی وزیر امور خارجه و مذاکره‌کننده ارشد ایران در مذاکرات وین منصوب شد. این انتخاب در حالی صورت گرفت که

علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در حکمی علی باقری‌کی، معاون سابق وزارت خارجه و دبیر شورای راهبردی روابط خارجی را به‌عنوان معاون بین‌الملل شورای عالی امنیت ملی منصوب کرد.

باقری‌کی شنبه هشتم شهریورماه در دیدار لاریجانی با آرم گریگوریان، دبیر شورای امنیت ارمنستان نیز حضور داشت. علی باقری‌کی سال ۱۳۴۶ متولد شده است. او در رشته معارف اسلامی و اقتصاد در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام تحصیل کرده است. او پیشینه تدریس اقتصاد در دانشگاه را نیز داراست.

علی باقری‌کنی فرزند محمداقصر باقری‌کی است که از اعضای سابق مجلس خبرگان رهبری و عضو هیأت امنای مؤسسه جامعه‌الصادق است. او همچنین برادرزاده مرحوم آیت‌الله محمدرضا مهدوی‌کی است. او سال ۱۳۷۳ پس از مدت کوتاهی حضور در سازمان صدا و سیما، فعالیت در وزارت خارجه را آغاز کرده است. از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ در دولت محمود احمدی‌نژاد در تیم هسته‌ای ایران بود و در مذاکرات هسته‌ای در کنار سعید جلیلی فعالیت می‌کرد. در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۲ باقری‌کی، رئیس ستاد انتخاباتی سعید جلیلی بود و در شورای عالی امنیت ملی به‌عنوان معاون جلیلی حضور داشت.

وی در تاریخ ۸ دی ماه سال ۱۳۹۸ با حکم آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی به‌عنوان معاون امور بین‌الملل و رئیس ستاد حقوق بشر قوه قضاییه منصوب شد. ستاد حقوق بشر زیرمجموعه قوه قضاییه است و در دوران ریاست مرحوم آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی و با تصویب مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۴ تأسیس شده است و نقش دستگاه دیپلماسی قوه قضاییه را بازی می‌کند و در مجامع جهانی، پاسخگوی اتهامات مربوط به نقض حقوق بشر در ایران است. پیش از باقری‌کی، محمدجواد لاریجانی به مدت ۱۴ سال ریاست ستاد حقوق بشر قوه قضاییه را برعهده داشته است. باقری‌کی در تاریخ ۲۳ شهریور ماه سال ۱۴۰۰ با حکم حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه وقت به‌عنوان معاون سیاسی وزارت امور خارجه منصوب و جایگزین سیدعباس عراقچی شد. پس از شهادت حسین امیرعبداللهیان نیز او مدتی سرپرست وزارت خارجه بود.

باقری‌کی و پرونده هسته‌ای

پرونده هسته‌ای ایران و نحوه مدیریت آن، همواره یکی از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین موضوعات سیاست خارجی کشور بوده است. در سال‌های گذشته، نام‌های متعددی در این پرونده نقش آفرینی کرده‌اند؛ از سعید جلیلی با رویکردی خاص در مذاکرات دولت‌های نهم و دهم تا عباس عراقچی که تیم مذاکره‌کننده دولت یازدهم و دوازدهم را هدایت می‌کرد. اما بسا روی کار آمدن دولت

وبترین: تازه‌های نشر

اقتباس نوآورانه

وانیا و مرغ دریایی

دو اقتباس از سایمون استیونز نمایش‌نامه‌های چخوف است



طه‌حسین فراهانی

روزنامه‌نگار

سایمون استیونز، نمایش‌نامه‌نویس انگلیسی متولد ۶ فوریه ۱۹۷۱ در منچستر، یکی از چهره‌های برجستهٔ تئاتر معاصر بریتانیا است. او اصالتاً اهل استاک‌پورت منچستر است و پس از تحصیل در رشتهٔ تاریخ در دانشگاه یورک، چند سالی در ادینبرا زندگی کرد. در همان دوره و در جریان گذراندن دورهٔ تخصصی تدریس، با همسرش پالی آشنا شد و ازدواج کرد. پیش از ورود به عرصهٔ حرفه‌ای نمایش‌نامه‌نویسی، چند سالی به تدریس مشغول بود و علاوه بر آن، عضو گروه موسیقی پانک اسکاتلندی «کانتزی تیزرز» نیز بود. او سال‌ها دوره‌های «نویسندگان جوان» را در تماشاخانهٔ «روبال کورت» تدریس می‌کرد و هم‌اکنون به عنوان مشاور هنری در «لیریک همسمیت» فعالیت می‌کند. آثار او از جمله «بلوربرد»، «هایزنبرگ»، «پانک راک»، «بر کرانهٔ دیپای بهنوار» و اقتباس از «ماجراجوی عجیب سگی در شب» اثر «مارک هین»، بارها در اروپا اجرا شده‌اند و جوایزی همچون «تونی» و «لانس‌لیو» را برای او به همراه آورده‌اند. تمایز اصلی استیونز در تئاتر، توجه ویژه او به بازنویسی آثار کلاسیک و اقتباس آن‌ها برای مخاطب امروز است. او بارها تأکید کرده، اقتباس‌هایش از آثار «چخوف» نه به منظور بازتولید دقیق زبان و جهان روسی بلکه برای خلق تجربه‌ای نو و معاصر است که همان حس اثر اصلی را در ذهن مخاطب بازآفرینی کند. کتاب «وانیا و مرغ دریایی» اثر «سایمون استیونز» شامل دو اقتباس نوآورانه از نمایشنامه‌های مشهور «آنتون چخوف» است. استیونز با بازنویسی تازه و حفظ فضای احساسی و انسانی آثار چخوف، داستان‌ها را به زبان و نگاه معاصر نزدیک کرده تا خواننده بتواند، راحت‌تر با شخصیت‌ها و موقعیت‌های نمایشنامه‌ها هم‌ذات‌پنداری کند. این کتاب توسط «نشر نی» منتشر شده و حمید دشتی مترجم آن است؛ مترجمی که پیش‌تر آثار دیگر استیونز از جمله «هفت گوشه» و «یک دقیقه» را نیز به فارسی برگردانده است.

تجربه‌ای چند لایه از متن کلاسیک

ایدهٔ بازنویسی «وانیا» از همکاری استیونز با کارگردان سم بیش نشأت گرفت. بیش خواستار تجربه‌ای متفاوت بود؛ نسخه‌ای معاصر که فناوری‌های روز نیز در آن دخیل باشند. طرح اصلی این بود که تک‌گویی‌های شخصیت‌ها خارج از صحنه ضبط شود و مخاطبان از طریق هدفون آن‌ها را بشنوند؛ روایت‌هایی که «دنیا بی‌رونی» شخصیت‌ها را هم‌زمان با اجرا آشکار می‌سازد. این نوآوری راه‌تازهای برای درگیر کردن مخاطب ایجاد کرد و باعث شد، تجربهٔ تماشای متن کلاسیک با حس و حال امروزی ترکیب شود. تغییر دیگر در اقتباس «وانیا»، بازتعریف شخصیت «آکساندر» بود. در نسخهٔ اصلی، او پروفیسوری دانشگاهی است؛ اما استیونز او را فیلم‌ساز معرفی کرد. دغدغه‌های استادان دانشگاه ممکن است برای مخاطب امروز خسته‌کننده باشد اما رؤیای فیلم‌ساز شدن تجربه‌ای مشترک و جذاب است. این تغییر، نمونه‌ای از نگرش تحلیلی استیونز به اقتباس که هم به متن وفادار است و هم آن را با زندگی و ذهن مخاطب امروز پیوند می‌دهد. در یکی از دورخوانی‌ها، زمانی که «آندرو اسکات» لحظه‌ای از اتاق تمرین خارج شد، ایده‌ای شکل گرفت: همه نقش‌ها توسط او اجرا شود. بازگشت اسکات و پذیرفتن این پیشنهاد به شکل‌گیری فرم تک‌نفرهٔ نمایشی انجامید که خلایقیت و بداهه را با اقتباس تلفیق می‌کند. این انتخاب تصادفی، اما هوشمندانه، تجربه‌ای تازه از متن کلاسیک ارائه می‌دهد.

جهانی بی‌زمان و بی‌مکان

برای «مرغ دریایی»، انگیزهٔ اصلی استیونز، حضور بازیگر محبوبش «لرلی شارپ» بود. او تصمیم گرفت از ارجاع‌های فرهنگی قدیمی و زمان‌مند که برای مخاطب دههٔ ۲۰۱۰ ناملموس بود، فاصله بگیرد و جهانی بی‌زمان و بی‌مکان بسازد. این جهان، هرچند ریشه در ناتورالیسم «چخوف» دارد اما محدود به دوره‌ای خاص نیست و تجربه‌ای تازه و زنده ارائه می‌دهد. ویژگی بارز دیگر اقتباس‌های استیونز، حذف عامل جنسیت در شخصیت‌هاست. او معتقد است که وفاداری صرف به تقسیم‌بندی‌های جنسیتی در متن کلاسیک، گاهی مانع تجربهٔ زندهٔ انسانی می‌شود. این تغییر در «وانیا» نمود بیشتری دارد اما در «مرغ دریایی» نیز به‌خوبی دیده می‌شود و امکان تمرکز بر دغدغه‌های انسانی و روابط اجتماعی را برای مخاطب فراهم می‌کند. استیونز اقتباس را یک گفت‌وگوی زنده می‌داند: «نه تنها میان متن و مخاطب بلکه میان گذشته و حال. او با زبان روز، شخصیت‌هایی آشنا و دغدغه‌هایی قابل لمس خلق می‌کند تا مخاطب امروز، هم با جهان «چخوف» و هم با بازتعریف معاصر آن روبه‌رو شود. این گفت‌وگو میان متن و زمان به آثار او عمق و معاصر بودن می‌بخشد و نشان می‌دهد چگونه می‌توان از سنت کلاسیک بهره گرفت، بدون آنکه در بند زمان و بافت تاریخی بمانیم». نکتهٔ جالب توجه در آثار استیونز، تلفیق فرم و محتواست. او از فناوری‌های نوین بهره می‌گیرد تا روایت‌ها را هم‌زمان چندلایه کند مانند استفاده از تک‌گویی‌ها و اجرای تک‌نفره. این تکنیک‌ها باعث می‌شوند مخاطب، نه تنها شاهد داستان باشد بلکه تجربهٔ زندگی درونی شخصیت‌ها را نیز حس کند. به بیان دیگر، او نمایش را به تجربه‌ای زنده و چندبعدی تبدیل می‌کند که مخاطب را مستقیماً در جریان کش‌ها و احساسات شخصیت‌ها قرار می‌دهد. استیونز هم‌چنین به انتخاب بازیگران و تمرکز بر عملکرد آنان توجه ویژه دارد. حضور «آندرو اسکات» و «لرلی شارپ» نمونه‌ای از این دیدگاه است که چگونه بازیگر می‌تواند، محور اقتباس و بازتعریف اثر کلاسیک باشد. این انتخاب‌ها، مخاطب را به نوعی شریک در تجربهٔ نمایش تبدیل می‌کند و امکان درک بهتر شخصیت‌ها و جهان متن را فراهم می‌آورد. در مقایسه با دیگر اقتباس‌های بریتانیایی، استیونز رویکردی نوآورانه و تحلیلی دارد. بسیاری از نمایشنامه‌نویسان کلاسیک را به همان شکل سنتی اجرا می‌کنند اما او با بازخوانی خلاقانه و توجه به مخاطب معاصر، آثار کلاسیک را زنده و مرتبط با زمان حال می‌کند. این ویژگی باعث شده که «وانیا» و «مرغ دریایی» نه تنها در بریتانیا بلکه در اروپا و جهان مورد توجه قرار گیرد.



وانیا و مرغ دریایی

دو اقتباس از

نمایش‌نامه‌های آنتوان

چخوف

سایمون استیونز

ترجمهٔ حمید دشتی

نشر نی

۱۸۸ صفحه

۲۶۰ هزار تومان

از لار تا لس‌آنجلس

احمد پژمان آهنگ‌ساز و موسیقی‌دان سرشناس درگذشت

احمد پژمان، آهنگ‌ساز و موسیقی‌دان سرشناس ۷ شهریور در ۹۰ سالگی در لس‌آنجلس درگذشت. بنابر تصمیم خانواده زنده‌یاد پژمان، پیکر این هنرمند در آمریکا به خاک سپرده می‌شود.

عاشق ایران

احمد پژمان از موسیقی‌دانان صاحب سبک در ادبیات موسیقی معاصر ایرانی به‌شمار می‌آید و نخستین آهنگ‌ساز ایرانی بود که اپرا نوشت. او آثار بسیاری در فرم‌های شناخته‌شدهٔ غربی مانند سمفونی، اپرا، باله، راپسودی، اوراتور، پوئم سمفونیک و دیگر شیوه‌ها خلق کرده است. منتقدان زبان موسیقایی‌اش را آمیزه‌ای از موتیف‌ها و مدهای ایرانی با هارمونی، ارکستراسیون و تکنیک‌های غربی توصیف کرده‌اند. پژمان دربارهٔ علاقه‌اش به موسیقی و عشقش به ایران گفته است: «از زمانی که خود را شناختم به ایران و فرهنگ ایرانی خیلی علاقه داشتم. من در ایران در دانشگاه زبان انگلیسی خواندم. همان دوران دانشجویی با متن انگلیسی شاهنامه مواجه شدم که نویسندهٔ بزرگی نوشته بود و همان موقع شاهنامه را در ذهنم با موسیقی تجسم می‌کردم. دوست داشتم، هر کاری می‌کنم، ایرانی باشد. خودم را از ایران سوا نکنم و بروم مثلاً اروپایی بشوم و آن‌گونه فکر کنم. ایران همیشه مسئلهٔ من بوده و هست. مهم این است که خودمان باشیم. دیدم آن‌هایی که از فرهنگ خودشان تغذیه می‌کنند تا چه اندازه در دنیا موفق هستند. آن‌ها پتهوون و موتسارت نمی‌خواهند، کسی را می‌خواهند که حرف خودش را بزند. آن زمان برای ارکستر صبا که رهبرش دهلوی بود، قطعات ایرانی – فرنگی می‌نوشتم. موسیقی کلاسیک کار می‌کردم اما عاشق موسیقی ایرانی بودم چون خیلی روی من تأثیر می‌گذاشت. بعد که به خارج از ایران رفتم و تحصیل موسیقی کردم، بیشتر به موسیقی ایرانی علاقه‌مند شدم. یادم است، استادی داشتیم که به ما «تِم و واریاسیون» درس می‌داد. به همهٔ کلاس گفت تِم بنویسید. تِمی که من نوشتم، مقداری ریتم و فواصل ایرانی داشت. تِم مرا که دید، گفت این خیلی زیباست اگر تمامش کنی، شرایطی مهیا می‌کنم که اجرا شود. البته الان اگر بینم احتمالاً هزار تا اصلاحیه دارد! ولی اجرا شد. سال دوم هم قطعه دیگری نوشتم یک راپسودی بود که آن را هم با مایه‌های ایرانی نوشتم.»

احمد پژمان برای ۲۷ فیلم و ۳۰ ترانه پاپ، موسیقی نوشته است و ۱۵ آلبوم از آثار ارکسترال، آوازی و موسیقی فیلم را منتشر کرده است. پژمان در سینما با کارگردانی چون محسن مخملباف، بهمن فرمان‌آرا و مجید مجیدی همکاری کرد و برای فیلم‌های «هنرپیشه» «بوی کافور، عطر یاس»، «بازار»، «خانه‌ای روی آب» و «بید مجنون» موسیقی ساخت. او برای دو فیلم، سیمرغ بلورین بهترین

سینمای جهان

یک فیلم ۲۰ ساله

ساخت فیلم پارک چان ووک به دلیل نداشتن پول دو دهه طول کشید

خواند و «انتخاب دیگری نیست» را یکی از تجاری‌ترین فیلم‌های این کارگردان نامید و گفت: مهم نیست چه فیلمی باشد، من همیشه به او می‌گویم «بله»! وی افزود: شاید فرهنگ رفتن به سینما برای تماشای فیلم به پایان برسد. اما حدس می‌زنم اگر زمانی فرا برسد که نتوانم بودجه‌ای را که می‌خواهم به دست بیاورم به ساختن فیلم با گوشی موبایلم ادامه بخواهم داد. من قبلاً این کار را کرده‌ام. به گزارش مهر، این فیلم اولین فیلم بلند پارک پس از درام معمایی رمانتیک «تصمیم به ترک» در سال ۲۰۲۲ است که تحسین منتقدان را به دست آورد. در بین پروژه‌های دیگر وی مینی‌سریال «همدل» برای اچ‌بی‌و جای دارد که با اقتباس از رمان «همدل» برنده جایزه پولیتزر در سال ۲۰۱۵ با بازی رابرت داونی جونیور کارگردانی کرد. سال پیش بیستمین سالگرد اکران فیلم فوق‌خوشنوت‌آمیز «اولد بوی» وی بود که با موفقیت جهانی روبه‌رو شد. این سابقه کاری تقریباً برابر مدت زمانی است که پارک صرف کرد تا بتواند این داستان اقتباسی از رمان معمایی «تبر» نوشته دونالد ای. وستلیک که سال ۱۹۹۷ منتشر شد را به پرده بزرگ سینما بیاورد. پارک پیش از نمایش فیلمش در جشنواره فیلم ونیز در نشست



دیدگاه: یادداشت سینمایی

از دیوان تا پرده: سفری ناتمام

جای خالی شاعران و ادیبان بر پرده سینمای ایران



مهرزاد دانش

منتقد

ماجرای برنامه فکاهی زینب موسوی درباره فردوسی و شاهنامه، یکی از جنجالی‌ترین بازتاب‌ها را در هفته گذشته برانگیخت که در نهایت به ورود دادستانی در تشکیل پرونده علیه موسوی منجر شد. نگارنده در این مجال، نه به خود برنامه و جنجال‌هایش بلکه به بهانه این ماجراها به این موضوع که زندگینامه شاعرانی همچون فردوسی چرا تاکنون بر پرده سینمای ایران نقش نبسته است، خواهد پرداخت. تاکنون درباره اینکه چرا از گنجینه‌های سترگ ادبی همچون شاهنامه اقتباسی سینمایی انجام نشده است، مطالب فراوانی نوشته شده که خود نگارنده هم در این خصوص یادداشت‌هایی دارد؛ اما اینکه حتی به خود ادیبان و شاعران تاریخ ادبیات ایران هم آن‌سان که درخور هست پرداخته نشده، نکته‌ای دیگر است؛ ضمن آنکه زندگینامه شاعران به دلیل فضای واقع‌گرایانه قاعدتاً روند ساده‌تر و کم‌هزینه‌تری در مقایسه با مثلاً شاهنامه‌ای دارد که پر از افسانه‌ها و اسطوره‌هاست.

تا آنجا که ذهن نگارنده یاری می‌کند، تاکنون در سینمای ایران به چهار شاعر پرداخته شده است: فردوسی (در فیلم فردوسی ساخته عبدالحسین سپنتا ۱۳۱۳)، پروین اعتصامی (در فیلم پروین ساخته محمدرضا ورزی، ۱۴۰۳)، فروغ فرخزاد (در فیلم رگ‌های آبی ساخته جهانگیر کوثری ۱۴۰۳) و مولوی (در فیلم مست عشق ساخته حسن فتحی ۱۴۰۳). به جز فیلم اول که آن هم صرفاً ارزشی تاریخی در روند سینمای ایران دارد، این آثار فاقد جنبه‌های درخور توجه سینمایی در ارتباط با شاعران یاد شده، هستند.

با این حال زندگی فردوسی همچنان می‌تواند مایه دراماتیک پرقدرتی در یک برگردان سینمایی جذاب باشد. زندگی فردوسی با خلق شاهکار حماسی و ملی شاهنامه گره خورده است. داستان زندگی او که حدود ۳۰ سال صرف سرودن شاهنامه کرد، پر از مبارزه با فقر، بی‌مهری دربار و تلاش برای حفظ فرهنگ فارسی در برابر تهاجم زبانی و تمدنی روزگارش است. در این روند، رابطه فردوسی با سلطان محمود غزنوی و افسانه‌هایی مانند پاداش توهین‌آمیز دربار عنصر دراماتیک قوی‌ای است و پتانسیل سینمایی این زندگینامه در ساخت یک فیلم حماسی/تاریخی در تمرکز بر تلاش فردوسی برای حفظ هویت ایرانی با صحنه‌هایی از جنگ، دربار و لحظات احساسی از زندگی شخصی او (مانند مرگ پسرش) پرورش می‌یابد. حتی می‌توان به این اندیشید که بخش‌هایی از زندگی او با داستان‌های شاهنامه تلفیق شوند و در مرز بین رئالیسم و سورتالیسم از بضاعت‌های فراوان شاهنامه هم بهره گرفته شود.

اما این تنها فردوسی نیست که زندگینامه جذابی برای برگردان سینمایی دارد. سعدی را به یاد آوریم. او به دلیل



پایان رسانند. پژمان در آن روزها با ارکسترهایی مانند ارکستر صبا، ارکستر دهلوی و ارکستر احمد فروتن‌راد، همکاری خود را به عنوان نوازنده ویولن آغاز کرد هم‌چنین در دوران دانشجویی به واسطه دوستی‌ای که با واورژان داشت همراه با ارکستر این آهنگ‌ساز در استودیوهای مختلف به نوازندگی مشغول شد. او پس از چندی به ارکستر سمفونیک تهران راه یافت و در دوره رهبری سنجرى و هایمو تویبر در ارکستر حضور داشت.

سپس سال ۱۳۴۳ برای ادامه تحصیل با بورس تحصیلی راهی اتریش شد و در آکادمی موسیقی وین به تحصیل آهنگ‌سازی پرداخت. بعد از پایان تحصیلات به ایران بازگشت و به عنوان آهنگ‌ساز تالار رودکی و استاد موسیقی دانشگاه تهران به کار مشغول شد. سال ۱۳۵۴ برای ادامه تحصیلات در مقطع دکترای آهنگ‌سازی راهی دانشگاه کلمبیا (نیویورک) شد که از استادان او در این دوره می‌توان به ولادیمیر اوساچوسکی، جک بیزن و بولانت آرل اشاره کرد. پس از انقلاب به ایران بازگشت و حدود دو سال هم در کشور ماند سپس در اوایل دهه ۱۳۶۰ از ایران خارج شد و در یکی دو دهه اخیر عمدتاً در لس‌آنجلس اقامت داشت.

نخستین اپرای فارسی

پژمان در بسیاری از سبک‌های مهم غربی چون سمفونی، اپرا و راپسودی برای ارکستر سمفونیک، ارکستر مجلسی، پیانو، گروه کر، آواز و موسیقی فیلم آهنگ‌سازی کرده است که بعضی از این آثار با همراهی ارکستر سمفونیک تهران و بسیاری دیگر توسط ارکسترهای معتبر خارجی اجرا شده‌اند. سبک موسیقی این آهنگ‌ساز را تلفیقی از موسیقی محلی، موسیقی ردیف، سازهای ایرانی، همراه با هارمونی، کنترپوان، ارکستراسیون و سایر تکنیک‌های موسیقی غرب می‌دانند. اپرای «جشن دهقان» از او به‌مناسبت گشایش تالار رودکی در ۳ آبان ۱۳۴۶ روی صحنه رفت؛ رویدادی که از آن به‌عنوان نخستین اجرای یک اپرای فارسی یاد شده است. سپس اپراهای «دلاور سهند» و «سمندر» را نوشت. پژمان در کنار کارهای سمفونیک در دهه ۱۳۶۰ در لس‌آنجلس وارد دنیای موسیقی پاپ هم شد و برای چند خواننده معروف از جمله عارف هم آهنگ‌سازی و تنظیم انجام داد.

خالدی درس ویولن می‌گرفت، آغاز کرد و یک شب تحت‌تأثیر موسیقی فیلمی با نام «چشمان سیاه» (سرگذشت یک ویولن‌نواز آلمانی بود که عاشق زنی شده بود و هر روز جلوی خانه‌اش ساز می‌زد) مسیر زندگی خود را عوض کرد و تصمیم گرفت، موسیقی کلاسیک بیاموزد. مدتی هم برای آموختن ویولن به کلاس درس برادران معارفی در میدان بهارستان رفت که آن زمان در رادیو برنامه اجرا می‌کردند. نخستین معلم موسیقی او منوچهر معارفی بود که نام‌نت‌ها و جایگاه‌شان روی ساز را به او آموخت. نخستین معلم پژمان در موسیقی کلاسیک، یک دانشجوی پزشکی به نام عباسی رضایی بود که خود نیز شاگرد یک معلم ارمنی با نام آسانور بود. همه خانواده رضایی از جمله برادر عباسی، مصطفی رضایی که شاگرد حشمت سنجرى بود، اهل موسیقی بودند. او احمد پژمان را تشویق کرد تا نزد سنجرى برود. با این واسطه، فراگیری ویولن را به صورت جدی‌تر نزد حشمت سنجرى پی گرفت. او در این هنگام به تحصیل رشته ادبی در یک دبیرستان خصوصی مشغول بود. پس از آن در رشته زبان انگلیسی وارد دانشسرای عالی شد و هم‌زمان آموختن ویولن را نیز نزد حشمت سنجرى ادامه داد. در این زمان وارد ارکستر هنرستان موسیقی شد. این ارکستر فعالیت خود را تحت‌نظر حشمت سنجرى آغاز کرده بود و پس از سنجرى نیز لوتیجی پازاناری (کنسرت‌مایستر ارکستر سمفونیک تهران) که از هند به ایران آمده بود، هدایت ارکستر هنرستان را در دست گرفت. در این زمان احمد پژمان به دلیل مشاغل‌های که در امتحان یکی از درس‌های دانشسرا با معلم آن درس پیش آمد، تحصیل زبان انگلیسی را ترک کرد و تصمیم گرفت فقط آموزش موسیقی را دنبال کند.

پژمان به واسطه یکی از دوستانش (امیرتیمور پورتراب) که در همسایگی پرویز منصوری زندگی می‌کرد با او آشنا شد و از منصوری که خود شاگرد حسین ناصحی بود، خواست تا درس‌های آهنگ‌سازی را به او آموزش دهد. پس از حدود ۳ ماه پرویز منصوری گفت: «پژمان، من تا اینجا بیشتر یاد نگرفتم» و او را برای حضور در کلاس حسین ناصحی تشویق کرد. پژمان در این هنگام با پیشنهاد امیرتیمور پورتراب برای تأمین مخارج کلاس یک آکوردئون کوچک تهیه کرد و در کودکانستان‌ها به تدریس موسیقی مشغول شد. سپس نزد حسین ناصحی رفت و آموزش هارمونی را نزد او به

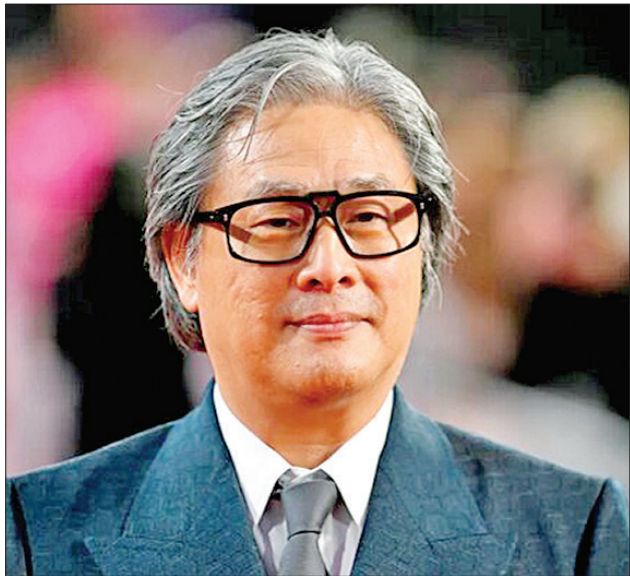
مطبوعاتی رسمی جشنواره گفت: همه ما

برای از دست دادن شغل و امنیت می‌ترسیم. من ۲۰ سال روی این فیلم کار کردم چون در طول این دو دهه با هر کس ارتباط برقرار کردم، می‌گفت: «این یک داستان به موقع است». این به من اعتماد به نفس داد تا مطمئن باشم این فیلم در نهایت ساخته خواهد شد.

پارک، اسطوره سینمای کره که برای ساخت فیلم‌هایی چون «پیرسر»، «عطش» و «کنیز» همچنین تهیه‌کنندگی «برف‌شکن» شناخته می‌شود، آخرین بار سال ۲۰۰۵ با فیلم «همدردی با بانوی انتقام» در بخش رقابتی ونیز حضور داشت.

لی یونگ-هون، بازیگر «بازی مرکب»، نقش شخصیت اصلی مان-سو را بازی می‌کند که از کارش اخراج می‌شود. در همین حال گروه بازیگران فیلم که بیشترشان در نشست مطبوعاتی عصر جمعه حضور داشتند شامل

سون یه-جین، لی سونگ-مین، یوم هی-ران، چا سونگ-وون، یو یئون-سوک و پارک هی-سون بود. از آنجا که «انتخاب دیگری نیست» شخصیت اصلی را در یک دوراهی کاری تصویر می‌کند از پارک پرسیده شد که اگر مشکلی برای صنعت فیلم رخ دهد، خود او از نظر شغلی چه خواهد کرد و پاسخ او این بود که فکر نمی‌کند، هنر در قالب فیلم کوچک شود. این کارگردان به تازگی برای اخراجش در کنار همکار نویسنده‌اش، دن مک‌کلار از انجمن نویسندگان آمریکا به دلیل نقض قوانین اتحادیه که کار کردن در طول اعتصاب



۲۰۲۳ را ممنوع می‌کرد، خبرساز شد. او به اخراجش از انجمن نویسندگان آمریکا واکنش نشان داد و گفت، قوانین اتحادیه مبنی بر ممنوع بودن نویسندگی در طول اعتصاب سال ۲۰۲۳ نویسندگان را نقض نکرده است. پارک ادعای بازنویسی بخش‌هایی از فیلمنامه سریال «همدرد» در دوره اعتصاب را رد کرد اما در اعتراض به این اخراج دست به کاری قانونی نزد چاکه گفت در آن زمان فیلم «انتخاب دیگری نیست» را تمام می‌کرد و رساندن فیلم به جشنواره ونیز برایش مهم‌تر بود.



دیدگاه: یادداشت روز

قصه پر غصه

ریشه‌های ریزش بورس چیست؟

نسربین خدادادی

گروه اقتصاد

شاخص کل بورس تهران در معاملات دیروز شنبه ۸ شهریور ۱۴۰۴ با افت قابل توجهی همراه شد و در رقم ۲ میلیون و ۳۹۵ هزار و ۶۹۴ واحد ایستاد که نشان‌دهنده کاهش ۳۵ هزار و ۳۴۴ واحدی معادل ۱.۴۵ درصد نسبت به روز گذشته است.

شاخص کل هم وزن نیز با کاهش ۷ هزار و ۸۱ واحدی معادل ۰.۹۳ درصد در سطح ۷۵۳ هزار و ۸۴۶ واحد قرار گرفت. این کاهش نشان می‌دهد که بازار همچنان تحت فشار فروش گسترده و نوسانات منفی قرار دارد و سرمایه‌گذاران در معاملات دیروز محتاطانه عمل کردند.

وضعیت ورود و خروج پول حقیقی به صندوق‌های درآمد ثابت دیروز منفی گزارش شد و خروج سرمایه حدود ۲,۲۸۲ میلیارد تومان بود. این روند نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران نسبت به حفظ سرمایه خود در صندوق‌های درآمد ثابت نیز اطمینان کافی ندارند و تمایل به نقد کردن دارایی‌های خود دارند. کاهش نقدینگی در بازار می‌تواند، فشار فروش را تشدید و روند اصلاحی شاخص‌ها را طولانی‌تر کند. در جریان معاملات دیروز تنها ۱۰۸ نماد مثبت معامله شدند و در مقابل ۶۴۳ نماد در محدوده منفی قرار گرفتند. البته در ابتدای زمان معاملات، وضعیت بدتر از این بود اما به مرور برخی از نمادها به سمت دامنه‌های مثبت حرکت کردند که وضعیت معاملات در حد بسیار کمی بهبود پیدا کرد. تفاوت چشمگیر بین تعداد نمادهای مثبت و منفی نشان می‌دهد که اکثریت بازار در فشار عرضه قرار دارند و تمایل خرید سهام بسیار محدود است. این وضعیت می‌تواند باعث تضعیف اعتماد سرمایه‌گذاران و تشدید روند نزولی در بازار شود.

ارزش سفارش‌ها و صف‌های خرید و فروش

ارزش سفارش‌های خرید در دقیقه پایانی معاملات حدود ۴۸۲ میلیارد تومان و ارزش سفارش‌های فروش ۳,۱۹۲ میلیارد تومان برآورد شد. تعداد صف‌های خرید ۳۲ صف و تعداد صف‌های فروش ۲۸۳ صف گزارش شد. این آمار نشان می‌دهد که فشار فروش همچنان بر بازار غلبه دارد و نقدینگی حقیقی در جهت فروش سهام حرکت می‌کند. نسبت بالای صف‌های فروش به خرید، عاملی برای تداوم روند نزولی شاخص‌ها و افزایش نوسانات بازار است.

حجم معاملات سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی به ۱۴.۱ میلیارد برگه و ارزش معاملات ۵,۰۱۵ میلیارد تومان رسید. سرانه خرید سرمایه‌گذاران حقیقی ۵۶.۹ میلیون تومان و سرانه فروش ۴۸.۲ میلیون تومان محاسبه شد که نشان‌دهنده برتری نسبی قدرت خرید بر فروش است و با قدرت خرید ۱۰.۱۸ ورود پول حقیقی به بازار مثبت و حدود ۳۰۶ میلیارد تومان ثبت شد. البته در بخش سهام و حق تقدم، خروج پول ثبت شد اما در صندوق‌های سهامی، وضعیت متفاوت بود و پول به صندوق‌ها تزریق شد و برآیند جریان نقدینگی به سهام و صندوق‌های سهامی تزریق پول بود. این موضوع می‌تواند، سیگنال کوتاه‌مدتی برای جبران بخشی از فشار فروش باشد اما تاثیر آن بر روند کلی بازار محدود خواهد بود. افزایش حجم معاملات سهام و صندوق‌های سهامی با ورود نقدینگی مثبت می‌تواند برخی نمادها را متعادل کند اما برای بازگشت پایدار به روند صعودی، کاهش ریسک‌های سیستماتیک و بهبود شرایط اقتصادی ضروری است. افت‌های پی در پی بازار سهام، قصه تکراری است که گفتن از آن نه تنها جذابیتی ندارد بلکه حوصله سرب شده است. فارغ از عوامل متعدد غیراقتصادی و نااطمینانی‌هایی که در فضای کلان وجود دارد، یک متهم جدی در رکود بازارها مشاهده می‌شود؛ نرخ بهره بالا. نرخ بهره‌ای که در اقتصادهای پیشرفته به عنوان یک ابزار سیاستی برای کنترل تورم کار می‌کند و به طور «موقت» سعی بر مهار افسار قیمت‌ها دارد، سال‌های متوالی است در اقتصاد ایران بالا نگه داشته شده و در مهار تورم نیز ناکام مانده است. نکته مهم‌تر اما آن است که نرخ‌های رسمی در بازار کمتر این هشدار را عیان می‌کنند؛ زیرا هنوز اوراق دولتی با نرخ‌های اسمی ۲۸ درصد روی تابلو معامله می‌شوند. حال آنکه پشت پرده معاملات دارد با نرخ‌هایی که گویا به ۴۰ درصد نزدیک شده، رقم می‌خورد. این فضا نه تنها رانتی در اقتصاد برای برخی افراد و واسطه‌ها ایجاد کرده بلکه یک عامل تشدیدکننده رکود است که مانع جذابیت سایر دارایی‌ها برای جذب سرمایه شده است.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

دشمن اصلی

کارآفرینی در ایران با چه موانع و مشکلاتی روبه‌روست؟

مهتا معرفت

گروه اقتصاد

در محیطی پر از عدم قطعیت و نشانه‌های فساد، فرآیندهای قانونی برای راه‌اندازی کسب‌وکار چنان طولانی و پیچیده است که گویی یک عمر طول می‌کشد. در این فضا، استعدادها و توانمندی‌ها پشت موانع بروکراتیک درجا می‌زنند و فرصتی برای شکوفایی نمی‌یابند. چراغ راه برای رانت‌خواهی و زدوبندهای پشت‌پرده سبز است و به آسانی می‌توان با دور زدن قوانین از دسترنج دیگران بهره‌مند شد. اما برای کارآفرینان، مسیر مملو از موانع است؛ از قوانین دست‌وپاگیر و سیاست‌های مانع‌تراش گرفته تا فرهنگی که آماده‌خواری و میان‌بر زدن را به تلاش، پشتکار و خطرپذیری

ترجیح می‌دهد. کارآفرینان افرادی مستعدند که با ایده‌های نوآورانه بازارهای جدید خلق می‌کنند، منابع نو می‌یابند و با تلفیق عواملی چون منابع طبیعی، انسانی، مالی، مهارت و دانش، تولیدات، خدمات یا فناوری‌های نوینی به بازار عرضه می‌کنند. اما اقتصادی که در هریک از این مسیرها مانع ایجاد کند، دشمن کارآفرینی است و مرگ تدریجی آن را رقم می‌زند. تمرکز منابع در دست گروهی خاص، کمبود سرمایه برای کارآفرینان، نبود نظام آموزشی پرورش‌دهنده نیروی ماهر و مهم‌تر از همه، سیاست‌گذاری غیرحामी و غیرمروج کارآفرینی، سرنوشتی جز ناکامی برای کارآفرینان رقم نمی‌زند.

گزارش دیدبان جهانی کارآفرینی، تصویری کلی از وضعیت کارآفرینی در ایران ارائه می‌دهد. ایران در سال‌های اخیر در شاخص‌های کارآفرینی جهانی، رتبه‌ای متوسط رو به پایین داشته است. در گزارش‌های پیشین، ایران رتبه ۷۲ جهانی را در میان ۱۳۷ کشور در شاخص جهانی کارآفرینی (GEI) کسب کرده بود که نشان‌دهنده بهبود نسبت به رتبه ۸۵ در سال‌های قبل‌تر است اما همچنان در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) جایگاه متوسطی (رتبه ۱۱ یا ۱۲) داشته است. نقاط قوت ایران شامل مهارت‌های استارت‌آپی و پتانسیل نیروی انسانی است اما چالش‌هایی مانند ریسک‌پذیری پایین، کمبود نوآوری در محصولات، پیچیدگی فرآیندهای قانونی و اداری و عدم ثبات در حمایت‌های فرهنگی و اجتماعی مانع رشد کارآفرینی شده‌اند. گزارش‌های GEM نشان می‌دهند که ایران در شاخص‌هایی مانند «کارآفرینی نوپا» (۱۲/۳) در صد و «کارآفرینی تثبیت‌شده» پیشرفت‌هایی داشته اما

تحلیل روز

اقتصاد

چه رابطه‌ای میان فقر و موتورسیکلت وجود دارد؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

در خیابان‌های شلوغ تهران، جایی که صدای بوق خودروها و ترافیک سنگین بخشی از زندگی روزمره است، سیدابراهیم با موتورسیکلت فرسوده‌اش از میان ماشین‌ها لایمی می‌کشد تا بسته‌ای را به موقع به مشتری برساند. او که زمانی رویای خرید خودرو داشت حالا موتورسیکلت را نه فقط وسیله‌ای برای کار بلکه راهی برای فرار از هزینه‌های کمرشکن زندگی می‌بیند. در ایران امروز با درآمدهایی که زیر فشار تورم و مشکلات اقتصادی کفاف اجاره منزل را هم نمی‌دهد، سیدابراهیم تنها نان‌آوری نیست که زندگی‌اش به قارقار موتور بستگی دارد. میلیون‌ها نفر در شهرهای بزرگ و کوچک، از تهران تا روستاهای دورافتاده به موتورسیکلت رو آورده‌اند؛

در «درک فرصت کارآفرینانه» و «کارآفرینی بین‌المللی» ضعف‌های زیادی وجود دارد. اقتصاد ایران به دلیل تحریم‌ها، نوسانات ارزی، و کمبود نقدینگی شکننده است و نیاز به سیاست‌گذاری‌های بلندمدت برای تقویت اکوسیستم کارآفرینی دارد. عواملی مانند آموزش ناکافی مهارت‌های کارآفرینی، بوروکراسی پیچیده، و کمبود حمایت مالی نیز از موانع اصلی هستند. با این حال، حوزه‌هایی مانند فناوری اطلاعات، صنایع دستی، و گردشگری پتانسیل بالایی برای کارآفرینی در ایران نشان داده‌اند.

راه دشوار

مطالعات متعددی نشان داده‌اند که کارآفرینان در مسیر پرفرازونشیب خود با موانع بسیاری مواجه‌اند، اما ادبیات این حوزه همچنان نوپاست. چهار استاد مدیریت صنعتی در ایران



مدلی تدوین کرده‌اند که دشواری‌های پیش روی کارآفرینان برای رفع موانع نوآوری و اشتغال‌زایی را نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، عوامل زیر به سادگی می‌توانند سد راه کارآفرینان شوند:نبود مقررات حمایتی و تقویت‌کننده از سوی دولت، یکی از مهم‌ترین موانع کارآفرینی است. ایران و کشورهایی مانند روسیه به دلیل نبود حاکمیت قانون، قوانین ضعیف در حوزه معاملات و دارایی، ناهمبستگی در اجرای قوانین، فضای مستعد فساد و رشوه‌خواری، روابط نزدیک قانون‌گذاران و ناظران با مقامات دولتی و بروکرات‌ها، محیطی غیرحمایتی برای کسب‌وکار ایجاد کرده‌اند. کارآفرینان به نیروی انسانی ماهر و بانگیزه نیاز دارند که همپای مجموعه رشد کنند و از ترک شرکت پرهیز کنند. اما یافتن و حفظ چنین نیروهایی چالش بزرگی است. قوانین سخت‌گیرانه برای ورود به بازار از جمله مالیات، مقررات زیست‌محیطی، الزامات دریافت وام و شرایط اخذ مجوز، موانع جدی کارآفرینی‌اند. فرآیند عبور از این «نوار قرمز» در برخی کشورها یک روز و در برخی دیگر تا ۲۰ هفته طول می‌کشد. هرچه این فرآیند

طولانی‌تر باشد، کارآفرینان بیشتری از ورود به عرصه تولید و نوآوری منصرف می‌شوند. بدون سرمایه، هیچ‌کس نمی‌تواند ایده‌ای را سامان‌دهی کند، آموزش ببیند یا بدهد، کسب‌وکار را توسعه دهد یا محصولی تولید و عرضه کند. کمبود منابع مالی یکی از موانع کلیدی است. پذیرش ریسک راه‌اندازی کسب‌وکار نیازمند وجود فرصت‌های برابر و شناخته‌شده در بازار است. بدون توزیع عادلانه این فرصت‌ها، کارآفرینی رونق نمی‌گیرد. حتی با وجود فرصت، اگر نگرش «من می‌توانم» در افراد شکل نگرفته باشد، کسی به سراغ کارآفرینی نمی‌رود. برخی فرهنگ‌ها به‌خودی‌خود مانع ایده‌های نوآورانه می‌شوند. آموزش مهارت‌های فنی، مدیریتی و کارآفرینی از سنین پایین و در نظام آموزشی رسمی، زیربنای توسعه کارآفرینی است. نبود چنین آموزش‌هایی جسارت و توانایی لازم را از افراد می‌گیرد. ورود به بازار جدید بدون تجربه کافی می‌تواند برای کارآفرین فاجعه‌بار باشد. تجربه در کسب‌وکارهای مشابه پیش از شروع کار جدید، شانس موفقیت را افزایش می‌دهد. ترس از شکست و ریسک‌گریزی از موانع روان‌شناختی کارآفرینی‌اند. کارآفرینان باید جسارت اقدام داشته باشند، با ساختارهای درست اجتماعی- اقتصادی پیش بروند و خطر شکست را بپذیرند.

نقطه شروع حمایت

جای تاکید نیست که ایجاد فضای کسب و کاری که بتواند مشوق کارآفرین و کارآفرینی باشد، نیازمند طیف گسترده‌ای از سیاست‌های حمایتی و پشیران است؛ از سیاست‌های پولی و مالی که برای یک اقتصاد کلان پایدار ضروری است گرفته تا سیاست‌های ساختاری که تعیین‌کننده چارچوب کلی اقتصاد است و بر بازار کار، مالیات، رقابت، بازارهای مالی و حتی قوانین مربوط به ورشکستگی تاثیر می‌گذارد. نقطه شروع برای ایجاد این فضا، دولت است. رد پای دولت فقط در موانع قانونی و مقررات‌گذاری‌های مربوط به این حوزه دیده نمی‌شود. ترویج فرهنگ کارآفرینی، لازمه ایجاد انگیزه در افراد، ریسک‌پذیر کردن آنها و آموزش دانش و مهارت لازم برای خلق و آفرینش است. به علاوه حمایت صحیح از تازه‌واردهای بازار و فراهم کردن منابع برای آنها هم کاری است که دولت‌ها می‌توانند بدون مداخله مستقیم و با اتخاذ سیاست‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی فراهم کنند. افرادی که ایده‌های بکر و توانمندی‌های بسیار دارند در فرآیند کارآفرینی خسته می‌شوند اگر سیاست‌ها به نفع ورود آنها به بازار نباشد و به جای تسهیل ورود، برایشان مانع‌تراشی کند. باید دید در این فرآیند دولت، دوست کارآفرینان است یا دشمن آنها؟

هزینه‌های پایین‌تر خرید، سوخت، نگهداری و تعمیرات در مقایسه با خودروها، گزینه‌ای مقرون‌به‌صرفه برای حمل‌ونقل هستند. در شهرهای بزرگ، تشدید مداوم فشارهای سنگین اقتصادی، قدرت خرید بسیاری از افراد را کاهش داده و آنها را به استفاده از موتورسیکلت سوق داده است. تعداد موتورسیکلت‌های در حال تردد در ایران به حدود ۱۲ میلیون دستگاه رسیده است که طبق گزارش پلیس راهور تهران در سال ۱۴۰۳ این تعداد روندی صعودی دارد. در تهران بیش از ۳ میلیون موتورسیکلت تردد می‌کنند که حدود ۲.۴ میلیون دستگاه از آنها فرسوده هستند.

اقتصاددانان می‌گویند با توجه به روند کاهش درآمد سرانه در ایران، انتظار می‌رود استفاده از موتورسیکلت در آینده افزایش یابد. ادامه تورم و کاهش قدرت خرید، به‌ویژه در شهرهای بزرگ، موتورسیکلت را به گزینه‌ای اقتصادی‌تر و کاربردی‌تر تبدیل خواهد کرد. همچنین گسترش مشاغل مبتنی بر موتورسیکلت مانند پیک موتوری و کمبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی این روند را تقویت می‌کند. با این حال عواملی مانند سیاست‌های دولتی، بهبود زیرساخت‌ها یا افزایش محدودیت‌های قانونی می‌توانند بر این چشم‌انداز تاثیر بگذارند. در مجموع با ادامه فشارهای اقتصادی، موتورسیکلت احتمالاً به‌عنوان وسیله‌ای مقرون‌به‌صرفه و کارآمد، نقش پررنگ‌تری در حمل‌ونقل ایران خواهد داشت.

حمله دوباره به علوم انسانی

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی خبر از حذف رشته‌های علوم انسانی به جای رویکرد اصلاحی داده است

گروه اجتماعی: حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی به تازگی گفته برخی رشته‌های علوم انسانی که در گذشته به وجود آمده‌اند «به درد قرن نوزدهم و بیستم می‌خورند و امروز کارایی‌شان را از دست داده‌اند». او در همین سخنرانی افزود که در گام نخست انقلاب اسلامی در حوزهٔ علوم انسانی، بسیاری از رشته‌ها بازنگری و برخی کتاب‌های درسی با رویکرد تحولی نوشته شده‌اند و شورای تحول علوم انسانی با نگاه به بیانیه گام دوم انقلاب، «ده مأموریت تحولی» را پیگیری می‌کند. خسروپناه معتقد است که علوم انسانی باید با اقتصاد و اشتغال گره بخورد تا بتواند، پاسخ‌گوی نیازهای کشور باشد.

حمله به علوم انسانی پیشینه‌ای طولانی دارد. در اوایل دههٔ ۱۳۹۰ هنگام بازنگری برنامه‌های دانشگاهی، وزارت علوم ۱۳ رشتهٔ علوم انسانی مانند روزنامه‌نگاری، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی را از دفترچهٔ انتخاب رشته دانشگاه علامه طباطبایی حذف کرد. بر اساس گزارش رسانه‌ها، مسئولان وزارت علوم ادعا کردند این رشته‌ها «به‌طور موقت» حذف شده‌اند تا الگوهای درسی جدید طراحی شود و پس از اصلاح برگردند. اما این اقدام باعث سردرگمی داوطلبان و واکنش تند دانشگاهیان شد؛ حذف این رشته‌ها بخشی از «بازنگری ۳۸ رشتهٔ علوم انسانی» بوده و حتی روسای دانشکده‌ها از آن اطلاع نداشتند. در آن زمان محافلی وجود داشتند که حذف رشته‌هایی مانند فلسفه یا مطالعات زنان را راه‌حل مشکلات تلقی می‌کردند. حمیدرضا آیت‌اللهی، استاد فلسفه و رئیس وقت پژوهشگاه علوم انسانی، این رویکرد را

شهر

تراژدی فرونشست

فرونشست ۳۰ سانتی‌متری، تهدیدی تدریجی که زیرساخت‌ها را در سکوت نابود می‌کند

گروه اجتماعی: مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور در مراسم «روزملی صنعت و معدن» با لحنی صریح از مسئولان خواست که مسئولیت تصمیم‌های خود را بپذیرند. به گفته پزشکیان؛ «درحالی‌که دو سه سانتی‌متر فرونشست نیازمند جلسات اورژانسی است، ما با ۳۰ تا ۳۶ سانتی‌متر فرونشست مواجهیم.» او گفت «اگر تعادل محیط‌زیست را به هم بزنیم سیلی خواهیم خورد» و هشدار داد که نمی‌توان تصمیمی گرفت و بعد ادعا کرد «چاره‌ای نداشتیم». پزشکیان تأکید کرد که بحران فرونشست و کم‌آبی نتیجه «مصرف نادرست، سیاست‌گذاری غلط و مدیریت اشتباه» است و با جابه‌جایی مدیران حل نمی‌شود؛ او از اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و استادان محیط‌زیست خواست که کنار هم بنشینند و راهکارهایی برای مدیریت بحران آب ارائه دهند. این هشدارها فقط شعار نیست؛ شواهد علمی نشان می‌دهد که ایران در آستانه یک فاجعه زیست‌محیطی قرار دارد. انکای بی‌رویه به آب‌های زیرزمینی موجب خالی شدن سفره‌ها و فشردگی خاک شده است. مطالعات زمین‌شناسی نشان می‌دهد که در تهران نرخ فرونشست در بعضی مناطق جنوبی به بیش از ۲۵ سانتی‌متر در سال می‌رسد؛ این رقم به معنای تخریب سفره‌های زیرزمینی و فروریختگی تدریجی زمین است. فرونشست مانند زلزله‌ای خاموش اما پیوسته، سازه‌ها و خطوط انتقال را تهدید می‌کند. ترک‌خوردگی جاده‌ها، نشست لوله‌های گاز و آب و نشست پل‌ها پیامدهای بدیهی این پدیده است. عمق بحران زمانی روشن می‌شود که بدانیم این فرآیند بازگشت‌ناپذیر است؛ وقتی لایه‌های ریز خاک فشرده شوند حتی افزایش بارش یا تزریق آب نمی‌تواند، خلل ایجاد شده را ترمیم کند.

کاهش بی‌سابقه ذخایر و مصرف بی‌رویه

بحران آب ایران فقط نتیجه خشکسالی نیست. طی دهه‌های اخیر برداشت آب به شدت افزایش یافته است. حجم برداشت کل آب از ۷۰ میلیارد مترمکعب در سال ۱۹۹۳ به حدود ۹۶ میلیارد مترمکعب در ۲۰۱۸ افزایش یافته است؛ از این مقدار ۹۲ درصد در بخش کشاورزی مصرف می‌شود و فقط ۶ درصد برای شرب و ۲ درصد برای صنعت اختصاص دارد. این برداشت معادل ۵۱ درصد از منابع آب تجدیدپذیر کشور است و در بسیاری از دشت‌ها از میزان برداشت مجاز (۵۰ میلیارد مترمکعب) فراتر رفته است. وزارت نیرو تخمین می‌زند که ایران

سالانه حدود ۵ میلیارد مترمکعب از ذخایر آب زیرزمینی را به دلیل برداشت غیرمجاز و بی‌رویه از دست می‌دهد؛ به همین سبب بیش از ۷۰ درصد ذخایر آب زیرزمینی طی ۵ دهه اخیر تخلیه شده است. وابستگی بیش از اندازه به سدها و چاه‌ها به‌جای مدیریت مصرف، توان ذخیره آب را کاهش داده است. ایران ۴۲ سد بزرگ با ظرفیت کل ۲۳ میلیارد مترمکعب دارد اما در سال‌های اخیر به دلیل کاهش بارش، ذخیره مخازن ۴۰ درصد پایین‌تر از سال پیش بوده و برخی سدها مثل خرخه فقط با ۱۲ درصد ظرفیت فعالیت کرده‌اند. علاوه بر این تبخیر شدید و رسوب‌گذاری سالانه حدود ۲۰۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت سدها می‌کاهد. در شبکه توزیع، اتلاف آب بسیار بالاست؛ تخمین زده می‌شود ۱۵ تا ۳۵ درصد آب در خطوط انتقال و انشعاب‌های غیرمجاز به هدر می‌رود. مصرف سرانه آب در شهرهای بزرگی چون تهران حدود ۲۰۰ لیتر در روز است که ۷۰ درصد بیشتر از میانگین جهانی می‌باشد. در نتیجه کشور ۷۰ درصد از کل منابع آب تجدیدپذیرش را مصرف می‌کند حال آنکه استاندارد جهانی، استفاده تا ۴۰ درصد را مجاز می‌داند.

کشاورزی پر مصرف، بهره‌وری پایین

بخش کشاورزی بزرگ‌ترین مصرف‌کننده آب است. راندمان آبیاری در بهترین استان‌ها مانند گیلان و مازندران ۵۴ تا ۵۲ درصد است و در خوزستان به ۳۸ درصد می‌رسد. ادامه کشت محصولات آب‌بر نظیر برنج و نیشکر در مناطق خشک، مصرف غیرکارشناسی آب را تشدید کرده است. توسعه صنایع فولاد و پتروشیمی در کویر مرکزی و انتقال آب از حوضه‌های کوهستانی نیز به تخریب منابع مبدأ و تشدید فرونشست در مقصد منجر شده است. کمبود آب، بحران اقتصادی و نابودی کشاورزی روستاییان را وادار به مهاجرت کرده است. طبق گزارش‌های رسمی بیش از ۷۰ درصد روستاهای ایران در خطر خالی شدن از سکنه قرار دارند و بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۷ بیش از ۱۲ هزار روستا به طور کامل تخلیه شده است. این موج مهاجرت به شهرها به خصوص تهران، فشار بر زیرساخت‌های شهری را افزایش داده است؛ جمعیت تهران از مرز ۹ میلیون نفر گذشته و این شهر اکنون بزرگ‌ترین مصرف‌کننده آب کشور است. رشد جمعیت و حاشیه‌نشینی باعث افزایش حفر چاه‌های غیرمجاز و تشدید فرونشست در حاشیه جنوبی پایتخت شده است.

ریشه‌های بحران: مدیریت ناپایدار و سیاست‌های غلط سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در ساخت سدها و طرح‌های انتقال آب بدون توجه به ظرفیت بوم‌شناختی فقط برای مدت کوتاهی بحران را به تأخیر انداخته است. اکثر پروژه‌های آبی به جای کاهش مصرف بر ایجاد منابع جدید متمرکز بوده‌اند. این رویکرد سبب شده است که نهادهای قدرتمند و پیمانکاران نظامی همچون سپاه پاسداران به «مافیای آب» تبدیل شوند؛ آنها برای منافع سیاسی و اقتصادی خود آب را به مناطق خاصی منحرف می‌کنند و روستاها و دشت‌های کم‌برخوردار را به خشکی می‌کشانند.

با وجود (۱میلیون حلقه چاه آب در کشور حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد آنها مجوز ندارند. نبود نظارت و سیستم‌های هوشمند برداشت را از کنترل خارج کرده است. در بسیاری از مناطق حتی چاه‌های مجاز هم با پمپ‌های پر قدرت بیش از سهمیه برداشت می‌کنند. طرح‌های اخیر دولت برای حفر ده‌ها چاه عمیق جدید در تهران یکی از نشانه‌های استمرار سیاست‌های گذشته است؛ این چاه‌ها ممکن است در کوتاه‌مدت کمبود آب شرب را کاهش دهند اما در بلندمدت فرونشست را تشدید می‌کنند و پس از چند سال خود خشک می‌شوند.

ضعف سیستم فاضلاب و بازچرخانی

در حالی که کشورهای پیشرفته با تصفیه فاضلاب، نیازهای فضای سبز و مصارف صنعتی را پوشش می‌دهند، در ایران تنها ۱۵ تا ۲۰ درصد فاضلاب تصفیه می‌شود. ورود سالانه میلیاردها مترمکعب فاضلاب خام به سفره‌های آب نه تنها منابع را آلوده می‌کند بلکه باعث از دست رفتن آب ارزشمندی می‌شود که می‌توانست دوباره وارد چرخه مصرف شود. ایران بیش از ۷۰ درصد آب قابل تجدید خود را مصرف می‌کند و برداشت بی‌رویه باعث شده، سطح آب‌های زیرزمینی فرو بنشیند و برخی مناطق تهران سالانه ۲۵ سانتی‌متر نشست کنند. در عین حال بخش کشاورزی با مصرف ۹۲ درصد آب و راندمان پایین عامل اصلی هدررفت منابع است. افزایش جمعیت، مهاجرت روستاییان، اتلاف آب در شبکه و ساخت سدهای پرهزینه بدون مدیریت مصرف، ترکیبی از بحران‌های درهم تنیده پدید آورده‌اند. تا زمانی که به جای تغییر مدیران، ساختارهای مدیریتی و الگوی مصرف را اصلاح نکنیم، «سیلی» که رئیس‌جمهور از آن سخن گفت به زودی نه تنها تهران بلکه سراسر کشور را دربر خواهد گرفت.



علوم انسانی بیش از آنکه مانع توسعه باشد، موتور پیشرفت اجتماعی و فرهنگی است. حوزه‌هایی همچون فلسفه، تاریخ، علوم سیاسی و مطالعات فرهنگی می‌توانند با تحلیل گفتمان‌ها، نقد ایدئولوژی‌ها، مطالعهٔ جامعه و تبیین فرهنگ به تصمیم‌گیری بهتر کمک کنند. اصلاح علوم انسانی باید بر به‌روز کردن محتوا، پیوند با فناوری و داده‌کاوی، آموزش مهارت‌های بین‌رشته‌ای و تقویت ارتباط با بازار کار متمرکز باشد. حذف رشته‌ها گاهی تنها نامشان را از دفترچهٔ کنکور حذف می‌کند و نیروهای انسانی و زیرساخت‌ها باقی می‌ماند؛ این تجربه نشان داده که اصطلاح «حذف» بیشتر جنبهٔ شعاری دارد و در عمل به بازنگری یا به‌روزرسانی تبدیل می‌شود.

در نهایت، در بحث علوم انسانی اسلامی نیز باید از افراط و تفریط پرهیز کرد. شاید به گفته خسروپناه، هدف می‌تواند ایجاد رویکردی بومی و مبتنی بر فلسفهٔ اسلامی باشد بدون آنکه علوم مدرن کنار گذاشته شود اما چنین رویکردی تنها زمانی موفق است که پژوهش‌های جدی و مستقل انجام شود و میدان برای نقد و گفت‌وگو باز بماند. تجربهٔ کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که ادغام علوم انسانی با فناوری، سیاست و اقتصاد، نه حذف آن، باعث توسعهٔ پایدار می‌شود. بنابراین بهتر است به جای دست کشیدن از رشته‌های علوم انسانی به احیای آنها با نگرشی انتقادی، بومی و آینده‌نگر پردازیم.

محیط زیست

بحران بارش

تمام شهرهای کشور با کاهش ۹۰ میلی لیتری

بارش روبه‌رو هستند

سه هفته مانده به پایان سال آبی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ وضعیت بارش‌ها در کشور به شدت نگران‌کننده شده است.

بر اساس داده‌های سازمان هواشناسی، میزان کسری بارش کشور به حدود ۹۰ میلی‌متر رسیده که این رقم ۴۰ درصد کمتر از شرایط نرمال بارش در کشور است. این وضعیت نشان‌دهنده آن است که تمامی ۳۱ استان کشور با کم‌بارشی مواجه شده‌اند و ۴۶۵ شهر کشور تحت تأثیر این بحران قرار دارند.

اگرچه وضعیت بارش‌ها در ابتدا و تا ابتدای اسفندماه به نسبت مطلوب بود، کاهش شدید بارندگی‌ها در اواخر زمستان و بهار موجب افزایش کسری بارش در بیشتر مناطق کشور شده است. این کاهش بارش‌ها علاوه بر تأثیرات منفی بر کشاورزی بر منابع آبی کشور نیز فشار مضاعفی وارد کرده است. در حال حاضر، بیشترین کسری بارش مربوط به استان‌های کهگیلویه و بویراحمد با کسری ۳۸۱ میلی‌متر، چهارمحال و بختیاری با ۲۶۳ میلی‌متر و لرستان با ۲۲۴ میلی‌متر است. این کسری‌ها در برخی مناطق به وضعیت بحرانی رسیده و منابع آبی را تحت فشار شدید قرار داده است.

در مقابل، برخی استان‌ها از کسری بارش کمتری برخوردارند. استان زنجان کمترین کسری بارش را با ۱۲ میلی‌متر گزارش کرده است. پس از آن استان‌های خراسان جنوبی با کسری ۳۷ میلی‌متر، یزد با ۴۱ میلی‌متر و کرمان با ۵۶ میلی‌متر از وضعیت بهتری برخوردارند. با این حال حتی در این استان‌ها نیز بارش‌ها نسبت به شرایط نرمال کمتر است.

این شرایط به‌ویژه در استان‌های جنوبی، غربی و مرکزی کشور که عمدتاً خشک و نیمه‌خشک هستند، تأثیرات شدیدی بر منابع آبی و محیط‌زیست خواهد داشت. در حال حاضر ۴۶۵ شهر کشور تحت تأثیر کم‌بارشی قرار گرفته و به احتمال زیاد بسیاری از این مناطق به سمت شرایط خشکسالی شدید یا بسیار شدید پیش خواهند رفت. این بحران علاوه بر مشکلات زیست‌محیطی، می‌تواند در سال‌های آتی چالش‌های جدی را در تأمین آب شرب، کشاورزی و صنعت ایجاد کند.

